**مصاحبه با HPrivateAssociativeBaghlan230718**

**تاریخ 23 جولای 2018**

**مصاحبه در نمایشگاه زراعتی در کابل**

ک: بخش اول سوال هایم بیشتر بالای یک تعریفی از شرکت شما است [قطع].

HPrivateAssociativeBaghlan230718: ما در حدود سی و چند انجمن عضویت اتحادیه ی ما ره داره که ما با اینها دوشادوش کار می کنیم. هم ده قسمت تولید و هم ده قسمت پروسس و بسته بندی.

ک: از عسل؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: بله از عسل.

ک: قسمت دوم بیشتر بالای تغییرات ده وضع زندگی مؤلد است [قطع]

HPrivateAssociativeBaghlan230718: ده اول اینها انفرادی کار می کردند. طبعا کار انفرادی با کار نهادها متفاوت است. کار اجتماعی. ولی وقتی که اینها از وقتی که به کار اجتماعی دست زدیم ما خدماتی برایشان عرضه کرده ایم که وضع زندگی شان بهبود پیدا کرده. مثلا از قبیل مواد ضرورت شان، از قبیل ادویه جات، لوازم زنبور پروری، و اینها ره برایشان تهیه کرده ایم و ده زندگی شان بهبود آمده.

ک: ده قسمت سوم که این عمده ترین بخش تحقیقم است، همو سازگاری یک شرکت تولیدی که یک شرکت خصوصی اس، شرکت زارعتی و کوپراتیفی اس، و شرکت [قطع]

HPrivateAssociativeBaghlan230718: سکتور ما خصوصی اس.

ک: [ادامه] که طرز تصمیم گیری چی نفشی داره بالای این که یک شرکت تولیدی ده خود افغانستان باقی بمانه [قطع]

HPrivateAssociativeBaghlan230718: مرجع تصمیم گیری ما طرزش قسمی اس که اعضای ما در این مورد [...] صلاحیت کلی ده دست اعضا می باشه. بعد از اینکه صلاحیت کلی ده دست اعضا بود اعضا این صلاحیت ره به 5 نفر هیئت رهبری میته. کس هایی میابشند که رییس منشی و معاون و دوی دیگرش هم عضو همین همکار است.

ک: و بخش آخر که بالای شاخص های بومی سازی تولید در افغانستان [قطع]

HPrivateAssociativeBaghlan230718: ما خو همین اتحادیه ی ما حدود یک سال میشه که فعالیت ره آغاز کرده. در طول یک سال ما اول دیدیم که چند انجمن داریم. و ما بالای این کار کرده راهی هستیم. ما مشکلات ما این است که، ده افغانستان به اصطلاح سرتیفیکیت [certificate] نداریم که خدمات خوده به دنیا عرضه کنیم. به این مشکل مواجه هستیم. و تلاش به همی داریم که یک کسی پیدا شوه که این ره [برای گرفتن این] ما ره همراهی کنه.

ک: ده باخش بازاریابی و مارکیت؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: بله بله. ده بخش بازاریابی و که یک کسی باشه که ما ره همکاری کنه که تا ما بتوانیم که محصولات خوده ده خارج صادر کنم.

ک: سوال اولم این است که [مزاحمت] شما رییس کار می کنید، به حیث مدیر، سهام، کارگر عادی استید در این شرکت؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: مه هم رییس هستم هم سهمدار هستم. و در ضمن افتخاری کار می کنیم بدون کدام حق الزحمه یا مزدی. افتخاری اس کار ما.

ک: سرمایه که کلا شخصی بوده؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: سرمایه بله همه شخصی بوده و از سهمدارها اس.

ک: از هیچ لحاظی، هیچ ان.جی.او یی یا بودجه دولتی [قطع]

HPrivateAssociativeBaghlan230718: بله. با ما بعضی دونرها است که همکاری می کنند. و فعلا هیچ دونر هم نداریم ما.

ک: از دونر رابطه یتان قطع شده؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: بله. فعلا دونر نداریم.

ک: دونر خو قرضه نداد که پس [قطع]

HPrivateAssociativeBaghlan230718: ما قرضه نمی گیریم. چون قرضه ده اسلام حرام اس. چیزی که خلاف شریعت باشه ما با او کار نداریم. الحمدالله ما مسلمان هستیم. اگه یک افغانی هم باشه سود اس، اگه 5 افغانی هم بود سود اس، اگه 10 هزار هم باشه سود اس. ما به سود کار نمی کنیم. باز زمانی که اگر اعضای ما خواهش کنه باز خودشان می دانند و مرجع شان. چرا که خلاف شریعت ما کار نمی کنیم.

ک: ده حساب مصارف تولیدی، ربع سال یا هر وقتی که شما محاسبه می کنید، چی اندازه بالای کارگر مصرف میشه، چی اندازه بالای ماشین مصرف میشه و چه اندازه بالای دیگه مصارف تولیدی مصرف میشه؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: والله تخمینا کار ما زیاد کار جسمانی زیاد اس. خود شخص زیاد کار می کنه. یعنی زیاد مصارف ره خود شخص کسی که تولید می کنه او زیاد می گیره به دوش. از لوازم و سامان آلات کرده او زیادتر [قطع]

ک: تعداد کارگر شما چند نفر اس؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: ما خو پیشتر خدمت تان عرض کردم که ده، که ما ده ولایات تقریبا سی و چند انجمن داریم. هر انجمن ما ده حدود تا 300 عضو [هم] دارند. تا سه صد عضو دارند. مثلا انجمن هرات اس، بعضی ولایت های دیگری اس. بعضی ولایت هایی اس که ده یا دوازده یا پانزده عضو داره. دیگه این متفاوت اس. اینها کلش کس هایی هستند که ده سکتور زنبورداری کار می کنند.

ک: خوب به شکل یک شرکت حقوقی کار نمی کنند؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: باز بعدا اینها حقوقی میشن. جدا خودشان کار می کنند. عضویت انجمن ره دارند. بعد وقتی که شخصیت حکمی پیدا کرد ده یک نهاد مستقل آمد، طبعا شخصیت حکمی پیدا می کنه.

ک: که هر کدام اینها یک عضو همین شرکت هستند؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: بله ها

ک: فعلا این طور چیزی همراه انجمنی که شما کار می کنید، همچو چیزی رخ داده یا نی؟ شرکت تشکیل شده؟ یا این که هر کس انفرادی کار می کنه؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: انفرادی کار می کنند اما دستآوردشان مربوط نهاد میشه.

ک: یعنی یک نهادی وجود داره؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: ها. انفرادی کلش کار می کنه باز جمع آوری اش ره مربوط نهاد میشه. هر دستآوردی که داشته باشند به تمامی همین اتحادیه و همین نهاد است. مثلا اگه تولید می کنند 1000 کیلو افتخار اتحادیه اس که هر کدامش یک هزار کیلو عسل کار کنه، ما چقدر [در مجموع] چه مقدار عسل ره تولید می کنیم [به همین اساس محاسبه میشه]. یعنی افتخار به تمام نهاد است.

ک: ولی منفعتش خو به [قطع]

HPrivateAssociativeBaghlan230718: منفعتش به شخص اس.

ک: یعنی فعلا ده شکل یک اسوسیشنِ چندین انجمن [قطع]

HPrivateAssociativeBaghlan230718: بله!

ک: سی انجمن گفتید؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: سی و چهار انجمن.

[مزاحمت]

ک: این نهادی که شما گفتید این نهاد صاحب نداره نی؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: خصوصی است. اجتماعی اس که یک نفر نمیتانه صاحبش باشه.

ک: به عنوان یک کوپراتیف می توانیم این ره محسوب کنیم یا این که انجمن اس؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: اتحادیه اس که از انجمن ها تشکیل شده. 34 انجمن داره که عضویتش ره داره و هر 34 انجمن ما در حدود چند صد [...] بیشتر از ده نفر اعضا داره.

ک: هر عضوی که شما در این انجمن دارید حتما اینها کارگر خوده دارند؟ درست اس؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: بله ها.

ک: از او تخمینی وجود داره؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: نخیر. او خو مشکل اس.

ک: تکنولوژی فقط دستی اس؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: بله همه کار با دست میشه.

ک: خود شما وقتی که آغاز کردید به کار، شما خوده جزء طبقه ی فقیر، متوسط، ثروتمند، جزء کدام طبقه خوده حساب می کردید؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: طبقه فقیر خوده حس می کردم.

ک: به خاطر تفریح [...] این سوالم به این منظور اس که همین فعالیت اقتصادی که شما آغاز کرده اید ده عادت های زندگی شما کدام تغییری آورده یا نیاورده.

HPrivateAssociativeBaghlan230718: بله. تغییر آورده! ما حالی فعلا حس متوسط می کنم [که جزء طبقه ی متوسط هستم].

ک: شما حالی خوده جزء طبقه ی متوسط احساس می کنید؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: بله.

ک: ده حساب تفریح روزمره، ده حساب این که قبلا یک کاری می کردید، مثلا مسجد می رفتید یا کار دیگری. حالی فعلا پول این ره دارید که قرغه بروید یا شهر نو بروید یا [...] این گونه تغییری آمده ده عادت های زندگی تان؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: زندگی افغانستان خیلی مشکل است.

ک: فقط مصروف کار هستید؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: مصروف کار هستم.

ک: ده کابل زندگی می کنید یا؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: مه ده بغلان زندگی می کنم.

ک: همیشه ده بغلان زندگی می کرده اید؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: دفترم ده اینجه اس. بعضی وقت اینجه هم می باشم. معاونم هم کار می کنه و منشی مه هم اس که کار می کنه. و بعضی وقت خودم هم می آیم کار می کنم.

ک: یعنی محل زندگی تان تغییر نخورده؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: نخیر نی.

ک: طفل ها به مکاتب دولتی می روند؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: ده مکاتب دولتی اس بله. باز دو پهلوی مکاتب دولتی بخش دینی ره ده مکاتب شخصی می خوانند.

ک: در روابط شخصی تان تغییری آمده؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: ده اجتماع؟

ک: بله

HPrivateAssociativeBaghlan230718: ها تغییر آمده. با اجتماع و مردم حالی زیاد ارتباط داریم. ممکن حالی مه سه ساعتم یا زیادتر و کمتر ده تلیفون مصروف باشم. قبلا نداشتم این رقم. شاید که [قبلا] روزی سه تلیفون برایم می آمد، دو دقیقه، یک دقیقه یا سه دقیقه تلیفونی گپ می زدم و تمام. حالی او گپ نیست [زیاد گپ می زنم].

ک: این طور احساس می کنید که بیشتر و بیشتر طرف یک گروپ خاصی از مردم [قطع]

HPrivateAssociativeBaghlan230718: چرا نی. اگر ده هرات اس، اگر از هلمند اس، اگر از مزار اس، از هر ولایتی که اس به مه روزانه حتما از هر ولایت یک تماس دارم. در حدود بیست یا بیست و چند ولایتی که زنبورداری دارند، تقریبا سه ولایتی که زنبورداری دارند، آنها با مه به تماس هستند.

ک: این طور احساس نمی کنید که سابق دوست و رفیق تان بیشتر از طبقه ی فقیر بود حالی فعلا عادت دارید بیشتر همراه طبقه ی متوسط بنشینید؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: نی. این طور نیست! با همو فقیرها زیادتر روابط دارم. به خاطری که مه فقیرها ره دوست دارم. و ده جایی که مه ده ولایات میرم مهمان میشم، دوست ها دعوت میته، ده خانه ی فقیرشان میرم.

ک: مثل سابق است، هیچ تغییری نیامده؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: ده او [ده این که با فقیرها بنشینم] تغییر نیامده. [حالی اما] دعوت زیاد میشم. مثلا وقتی که مه سابق مزار میرفتم این قدر دعوت کس به مه نمیداد. حالی برای مه زیاد دعوت میتن. مه کوشش می کنم که به خانه ی فقیرشان بروم. چرا که به آنها علاقه دارم.

ک: سطح زندگی تان تغییر خورده، درست. به شکل سمبولیک، مثلا سابق یک موتر لادا داشتید، حالی یک موتر خیلی لوکس خریده اید یا خانه ره نو ساخته اید. این طور چیزهای که از ظاهر به نظر برسه؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: نخیر! نخیر! صرف ابتدا ده یک صندوق یا دو صندوق یا ده صندوق زنبور داشتم، حالی بیش از صد صندوق زنبور دارم.

ک: تنها تغییری که آمده همین بوده؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: بله بله! خانه ام همو خانه اس. موتر همو وقت هم نداشتم حالی هم ندارم. دیگه کدام تغییری نیامده. لباس هم همو لباس اس. [پس از یک مکث] منتها همین قدر تغییر آمده که وقت تنها ده ولایت بغلان کار می کردم حالی ده چندین ولایت افغانستان کار می کنم. به کل افغانستان حالی کار می کنم. به این خیلی خوشحال هستم. از نگاه مادی چیزی او قدر قابل ملاحظه نیست. خو سطح زندگی یک کمی تغییر کرده ولی حالی خوشحال به این استم که به کل افغانستان کار می کنم.

ک: این طور احساس می کنید که همین که جزء یک انجمن هستید یک ذهنیتِ دیگری ده تولید حاکم اس؟ اگه فرض کنیم یک شرکت خصوصی می بود، یک صد یا دو صد کارگری زیر دستش می بود، همین اعضای همین شرکت به شمول کارگرها، همین حسی که شما به عنوان عضو همین انجمن دارید، ره نمی داشت. یعنی نمی گفت که همین یک [...] تجربه ی کار برای آنها مشابه چیزی که شما دارید نمی بود. همین طور احساس می کنید؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: یعنی شخص دیگر همین تجربه ی ما ره نمی داشت؟

ک: یعنی مثلا ده یک شرکت خصوصی که از بالا اداره میشه به شکل متمرکز، و این که شما به خود کار می کنید، ولی جزئی از یک مجتمعی هستید که بین هم می نشنیند و گپ می زنید و تصمیم می گیرید!

HPrivateAssociativeBaghlan230718: بله. ده قسمت تصمیم گیری ها حتا ان.جی.او ها مه ره دعوت میتن برای پلان سازی خود. به کارهای خود. از ما نظر می گیرند و ما به همگی کار می کنیم. اینی دفاتر خارجی کار می کنند و دیگه کار می کنند، به مه دعوت میتن. یک پلان می سازند بالای یک پروسه [از مه مشوره می گیرند]. مثلا ده یک ولایت ما می خواهند بخش زنبورداری ره ترویج کنند بین مردم یا خدمات بدون پرداخت پول و این گپ و سخن، [از مه پرسان می کنند که] به چی سیستم پیش برویم. چی کارها را ره ده ابتدا بکنیم. و بعدا چی کنیم. این به تمام ان.جی.او ها و به تمام نهادها به تمام ان.جی.او ها و با تمام دفاتر دولتی ما همکار هستیم.

ک: به حساب تأسیس همین شرکتی که دارید، برای این که همین دو صندوق ره به دست بیاورید از کدام رابطه ی اجتماعی استفاده کردید یا [قطع]

HPrivateAssociativeBaghlan230718: طبعا. وقتی که مه دو صندوق زنبورداری ره شروع کردم یا سه صندوق زنبور داری ره. روی هم رفته کار ره از دیگر جاها می دزدیدم. روابط اجتماعی خوده با مردم زیادتر ساختم. مثلا مه ده بغلان بودم می آمدم ده جلال آباد. ده فارم های جلال آبادی ها می درآمدم. پشت های خیمه هایشان ره سیل می کدم. این طرف ره سیل می کرد [او طرف ره سیل می کردم] که کجا چی ره [می توانم] پیدا کنم. چون آدم، زود جذب می کردم [زود می فهمیدم] یادداشت هم نمی کردم، همی که می دیدم، خلاص دیگه کاپی اش می کردم، همه چیز ره به همین سیستم جمع آوری کردم تا وقتی که تا حالا استفاده می کنم.

ک: اولین دو صندوقی ره که به دست آوردید این ره کدام ان.جی.او داد برایتان یا کدام نهاد [قطع]

HPrivateAssociativeBaghlan230718: نخیر نی. این ره یک کسی یک شخص برایم داد.

ک: این شخص ره می شناختید؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: بله. شخص از جمله دوست های ما بود.

ک: یعنی دوستی با کسی نقش داشت در این که شرکت ره آغاز کنید؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: نخیر نی. او این طور فکر نمی کرد که این به این اندازه زنبوردار شوه و به این اندازه رشد کنه. صرف گفت که همین گروهِ زنبور ده شاخ درخت بود گفت همی از تو باشه! این ره گرفتم داخل یک صندوق انداختم روی هم رفته بالای این کار کردم و کار کردم. تا حال ما سه برادر هستیم. هر سه ما ده بخش زنبورداری کار می کنیم.

ک: شما هم به کس دیگری کمک کرده اید که ایجاد کنند زنبورداری [قطع]

HPrivateAssociativeBaghlan230718: خیلی زیاد. بله بله! خیلی مه دوست ها ره تشویق کرده ام. بالایشان زبنور هم به فروش رسانده ام. تشویق شان هم کرده ام. همکاری شان کرده ام. و بدون این هم به موسسات قرارداد کرده ایم که ما این قدر نفر ره زنبوردار می سازیم و برای آنها زنبور تهیه کرده ایم و زنبور برایشان داده ایم ده بدل پول. و همراهشان در ضمن همکاری هم کرده ایم. همکاری های اجتماعی ما خیلی زیاد اس فضل خدا. به این خوشحال میشیم چرا که دین ما همین طور یک دین جامع است. و هدف ما همین است که مخلوق خداوند ره خوشحال بسازیم همیش. تا خداوند از ما خوشحال شوه.

ک: میرویم ده بخش بعدی. گفتید که تصمیم گیری ده این انجمن ده همین نهادی که 34 انجمن عضوش اس، به اساس مشوره صورت می گیره ولی یک هیئتی داره که از 5 نفر تشکیل یافته است. و این 5 نفر وقت و ناوقت می بینند یا تقسیم وقت دارند؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: او جلساتی که ضروری شوه او مشخص نیست. و ما در اداره ی ما وقتی که لازم شوه مثلا به رییس نیازمند میشه، اداری ما می خواهه که رییس صاحب باید بیایه! با کسی ملاقات، وقت ملاقات برایش می گیره. یا معاون – اگر رییس نتانه رسیدگی – معاون ره طلب می کنه. و منشی کار می کنه و اداری ما کاره پیش می بره. در صورت ضرورت باز رییس و معاون و اینها درخواست میشه از آنها و می آیند و کار خوده پیش می برند.

ک: ده حساب تصامیمی که گرفته میشه توسط همین 5 عضو، این تصامیم الزامی است؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: مقید است از طرف اعضا، که شما تا این اندازه صلاحیت دارید که تصمیم بگیرید. بله، از طرف تمام اعضا موسسین همین اتحادیه قید اس که شما تا این اندازه صلاحیت دارید.

ک: و همین تصامیمی که گرفته میشه باز این ره اعضا باید اجرا کنند [قطع]

HPrivateAssociativeBaghlan230718: مجبور هستند. مثلا این طور تصمیم می گیرند که [...] رییس به تنهایی اش نمیتانه که پوله از بانک بکشه.

ک: پولی هم وجود داره که کل اعضا او ره پرداخته باشه؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: بله ها! ده بانک ما پول موجود داریم. که از طرف اعضا است. تعیین است که رییس نباید تنها این پیسه ره کشیده نباید بتوانه. همراهش یکی از بخش مالی معرفی اس، دو نفر می روند پوله می کشند.

ک: این پول مشترک ره [قطع]

HPrivateAssociativeBaghlan230718: این پول مشترک به صلاحیت رییس تعیین است که تا چه اندازه رییس صلاحیت داره که خرج کنه.

ک: ولی موارد استفاده اش چیست؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: مثلا ما غرفه گرفته ایم [ده این نمایشگاه] پانزده هزار افغانی غرفه گرفته ایم. دو نفر از ولایت آمده ایم. مثلا 15 هزار افغانی غرفه ی ما میشه. دو نفر از ولایت که آمده ایم ده حود 5 هزاری یا 10 یا زیادتر از او برای ما سفریه و کرایه داده میشه. و روز شنبه میرویم این ره از بانک همراه همو بخش مالی ما از بانک می کشیم.

ک: پس کاملا انفرادی هم نیس این اتحادیه؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: نی. رییس صلاحیت نداره. به حدی صلاحیت داره [...] قانون، اساسنامه ما داریم. و او روی قانون رییس صلاحیت داره کار کنه. از او بالاتر نمیتانه. روی یک چوکات.

ک: ولی مشورهای که همین 5 عضو میتن، این باید اجرا شوند از طرف اعضا یا ده همو حد صلاحیتی که دارند؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: حد صلاحیتی که دارند. صلاحیت کلی مربوط به مجمعه ی عمومی است. تمامی موسسین صلاحیت می گیرند که تا این اندازه رییس نماینده ی ما است، تا این اندازه معاون، منشی، تا این اندازه اینها حق دارند و از این بالا حق ندارند. مثلا مه نمیتانم که همی اتحادیه ره کنسل کنم یا لغو کنم. این ده صلاحیت مه نیست. مه نمیتانم که، به مانند این بعضی کارهای دیگه ره انجام بتم. مطابق همو قانون کار می کنم.

ک: وقت مشخصی برای این مذاکرات تمام اعضا وجود داره؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: تمام اعضا و موسسین همین اتحادیه و تعیین اس که از هر ولایت، از هر انجمن یک نماینده اش می آیه که تعیین است. سالانه یک نشست داریم ما. و بعدا می آییم سر مسأله ی 5 نفر اعضاء، اینها وقتی که ضرورت میشه رییس با بعضی مشکلات مواجه میشه با معاون باز دفعتا از او دو نفر دیگه نظر می خواهه که بیایین نظر بتین که این کار ره چطور کنیم.

ک: شما خودتان شخصا چند سال پیش شروع کردید به کار؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: حدود 20 سال پیش.

ک: همین دو صندوق ره 20 سال پیش به دست آوردید؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: بله! تا حدود سی صد صندوق زنبورداری هم کرده ام.

ک: پس اعضای انجمن این طور نیست که یک سال پیش [در زمان تشکیل اتحادیه] کار ره شروع کرده باشند؟ یعنی تقریبا [قطع]

HPrivateAssociativeBaghlan230718: بله بله. هر کدامش سابقه ی کاری بسیار زیاد دارند. حتما از مه کرده زیادتر آنها سابقه کاری دارند. باز یک گپ دیگه هم داره که همین رییس و اعضاء همه اش انتخابی است.

ک: همه پنج عضو؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: همین 5 عضو انتخابی اس از طرف موسسین انتخاب شده اند. به اساس رأی گیری البته.

ک: و همه ی اعضای این انجمن ها از افغانستان هستند؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: بله. تابعیت افغانستان ده قانون ما است که باید داشته باشند، زبنور داشته باشند، این ده قانون ما است. اگه این چیزها ره نداشته باشه نمیتانه که عضویت بگیره.

ک: از این مشوره های که شما می گیرید و انجمن می نشیند و تمام همین 34 انجمن پیامد این مشورها ده شکل مادی اس یا ده شکل اطلاعات اس ده شکل بازاریابی؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: ده هر دو شکل. هم مادی اس هم غیرمادی. هم مادی [قطع]

ک: که ده جهت پیشبرد همین مثلا [قطع]

HPrivateAssociativeBaghlan230718: ها. مثلا مادی اش این است که ما مثلا ده قسمت تولید لوازم زنبورداری با آنها همکار هستیم. جلب توجه ان.جی.او ها ره می کنیم برایشان. کوشش کنیم که کسی ره جذب کنیم. دونرها ره جذب کنیم. و در قسمت معنوی اش آنها هر مشکلی که داشته باشن، با تلیفون یا [...] مثلا یک مرض نو پیدا میشه. مثلا ده هرات پیدا میشه که و به ما به تماس میشه که رییس صاحب به مه این رقم یک مرض دیده شد، همزمان بخش تحقیقات ما بالای او تحقیق می کنه که چی نوع مرض اس، کدام نوع دوا ره ما باید استعمال کنیم تا او از بین بره. هر دو بعد ره ما کار می کنیم. هم معنوی ره هم مادی ره.

ک: و این کارگر عادی ره شامل نمیشه که این انجمن ها ده کدام شرکت. تنها همین کسی که تصمیم گیرنده است شامل این میشه؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: بله ها. پیش ما عضویت کسی اس که نماینده ی هر نهاد اس. مثلا ما 34 نهاد داریم، 34 نفر پیش ما رسمیات داره. هر کدامش نمایندگی از یک نهاد می کنه.

ک: مثلا شما فرض کنیم، بیشتر از 100 صندوق دارید. تعداد کارگری که شما استخدام می کنید به چی تعداد اس؟ یا تنها اعضای فامیل اس؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: نخیر! مثلا مه صد صندوق زنبور دارم، اعضای فامیلم کار می کنه. خانم ها میتانن خوبتر کار کنند در این. خانم ها هم همکاری می کنند.

ک: همین تعداد 34 انجمن با دیگر انجمنی هم است که همراهش همکاری داشته باشه؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: بله چرا نی. ده یک ولایت دو انجمن ما داریم. او یکی با دیگه همکار هستند. باز از خارج ولایت همزمان تلیفون می کنند [اگر] چیزی مشکل باشه. چیزی پرسان می کنند. این طور شیوه ای ره ما کار می کنیم، مثل یک گروه کار می کنیم.

ک: تمام همین انجمنِ زنبوردارها؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: [بله] تمام انجمن های زنبوردارها.

ک: همین نهادی که شما دارید متشکل از 34 انجمن و فرض کنیم یک انجمن دیگری است که ده قندهار اس ده هلمند است؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: بله بله!

ک: این بیشتر ده شکل اطلاعات با همدیگر همکاری دارید؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: بله بله! عملا هم اگر ما نزدیک باشیم، با همدیگر همکاری می کنیم.

ک: همراه دولت و همراه ان.جی.او ها خو هیچ کدام [...] مثلا ده حساب مشوره دهی یا ده حساب [قطع]

HPrivateAssociativeBaghlan230718: پیشتر برایتان عرض کردم که ما همکار هستیم. هم با دولت، هم با ان.جی.او ها. هر کس که از ما – مثلی که خودت خواهش کردی که با مه یک مصاحبه داشته باش – ما پذیرفته ایم و همین طور همگی ره ما می پذیریم.

ک: ولی ده حساب پیشبرد کار و تجارت همین واحد تولیدی که شما دارید، این طور دولت و شما وقت و ناوقت یا همراه یک ان.جی.او نمی نشینید مذاکره ای برای تصمیم گیری؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: می کنیم! چرا نمی کنیم!

ک: که گفته باشند این سرمایه ره ده این بخض تخصیص بده!

HPrivateAssociativeBaghlan230718: بله. ما کتی وزارت تجارت ارتباط داریم. کتی وزارت اقتصاد ارتباط داریم. با آنها هماهنگ هستیم. مشوره به ما میتن و ما از آنها مشوره می گیریم. به آنها مشوره میتیم. مثلا، خود دولت یک ساحه میره بخش [...] یک پروژه زنبور ره تطبیق می کنه، آنها از ما نظر می گیرند. ما برایشان نظر میتیم. یگه این طور گپ ها ره ما دارا هستیم.

ک: مشوره ی که آنها میتن اختیاری است؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: بله! اختیاری است. ما نهاد شخصی هستیم. سکتور خصوصی هستیم.

ک: فرض کنیم این شرکت شما است و اعضای خوده داره، با مردم محیط هم ده قسمت همین شرکت، در باره این که چی مقدار از درآمدش ده مسجد مصرف شوه یا ده مکتب مصرف شوه، یا پل و پلچک بسازیم یا مثلا ده او قسمت با مردم محل ارتباط داره اعضای انجمن؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: بله بله. چرا که اکثرا ده ولایات و اطراف ها کارهای اجتماعی زیاد اس. کارهای حشر زیاد اس. باز اینها ده هر جایی سهم می گیرند.

ک: که متأثر اس از فعالیت همین شرکت یا اگر این شرکت نباشه هم این کارها [قطع]

HPrivateAssociativeBaghlan230718: بله. اگر بناشه طبعا اقتصاد مردم پایین می باشه و اقتصاد مردم که پایین بود ده کارهای جمعی و اشتراکی کم اشتراک می کنند.

ک: یعنی همین منبع تولیدی باعث میشه که بیشتر با اجتماع کار کنید؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: بله بله. ما به خاطر که یک نهاد رسمی که ده یک ساحه می باشه، اونجه جلب توجه میشه. سرکش ساخته میشه. مثلا دفترم است. از شهر دور اس. روزانه شاید که سه نفر زرنج کرا کنم که بیایه خانه ی ما. یا موتر کرایه کنه بیایه خانه ی ما. این یک فایده برای محیط ما اس. یا از ریاست زراعت هیئت می آیه. می آیه می بینه کار ما ره می بینه. طبعا جلب توجه به او محیط و منطقه میشه.

ک: می رسیم ده بخش آخر. شما گفتید که حالی احساس می کنید که جزء طبقه ی متوسط هستید؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: بله.

ک: و این از بابت همین تجارت؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: بله.

ک: ده عادت هایتان تغییری آمده؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: بله تغییر خو آمده! مثلا مه سابق تنها ده ولایت بغلان کار می کردم حالی به تمام افغانستان کار می کنم. از نگاه مادی او قدر تغییر نیامده که قسمی که برایت پیشتر گفتم که موتر ندارم. خانه جور نکرده ام. کدام زمینی نخریده ام. کدام دکان نخریده ام. ولی از نگاه معنوی تغییر آمده. منتها چون سکتور ما سکتور زنبورداری ده حالت رُشد بود، رُشد کد. او حالتی که ابتدا داشتیم حالی بیرون هستیم. متوسط هم حالی ده افغانستان ما سرمایه گذار، اگه به سه کتگوری بگیریم که فقیر و متوسط و بالا، متوسط هم حالی ده افغانستان بسیار اپارتمان ها می داشته باشند، موتر ها می داشته باشند، ما نداریم! نسبتا از مردم فقیر بالاتر هستیم دیگه.

ک: رفتار ده قسمت مصرف دوباره ی مفاد بالای شرکت چی است؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: طبعا. شاید که از 50 فیصد مفاد بالاتر بالای توسعه استفاده کنیم. چرا که رُشد شرکت ما مهم است برای ما.

ک: چرا مهم اس؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: به خاطر این مهم اس که آینده ی ما وابسته به او اس. مثلا حالی ما زبنورهای اروپایی داریم، ایتالیایی پیش ما است. اما حالی مه می خواهم که از زنبورهای قفقاز بیاوریم، نسل قفقاز کارش سرعت زیادتر داره. او طبعا به سرمایه گذاری زیادتر ضرورت داره. یک بخش سرمایه ی زیادتر خوده بالای او مصرف می رسانم که یک زنبور خوبه بیاورم. برای خو.

ک: یعنی مطمین هستید که این کار آینده داره؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: بله بله. چرا نی. صد در صد. از این کده که ما امروز داریم از این کرده بالاتر داره در آینده.

ک: هیچ گونه عامل منفی از محیط از وضعیت [قطع]

HPrivateAssociativeBaghlan230718: بله. هیچ تجارتی بدون عامل منفی نیست.

ک: ولی ده حدی اس که عامل منفی بالای عامل مثبت غلبه کن؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: مه مثلا یک قصه می کنم. مه یک وقت 280 صندق داشتم، ده بین ده روز – او وقت ادویه جات هم به اندازه امروز نبود، سکتور هم به این اندازه کار نمی کرد – 280 صندوق داشتم ده ظرف ده روز تنها 20 صندوق باقی ماند و متباقی کلش از بین رفت. ولی چون مه با مردم ارتباط داشتم ده اجتماع با مردم بودم همزمان دوست هایم مه ره کمک کردند. صد صندوق زنبور ره به قرضه داد. صد صندوق زنبور ره برای دو ماه به قرض داد. بعد از دو ماه مه یک قرارداد با یک دفتر داشتم. بعد از این که با این دفتر مه قرارداد کردم، مه توانستم که یک ماه این زنبور ره نگه کنم. ده یک ماه، هم یک 105 صندق به دفتر بتم و هم در حدود 100 صندوق زنبور برای خودم هم باقی ماند. که تا توانستم دوباره کار خوده ادامه بتم.

ک: پس همی رابطه [قطع]

HPrivateAssociativeBaghlan230718: دوست ها داشتم بله. چرا که شناخت ما، موقف تجارتی که داشتیم همو نماند ما ره که از بین ببریم. او نماند که از بین برویم. اگه نی او شخص، مه چی کاره بودم؟ مه اگه یک آدم عادی می بودم او صد صندوق ره به مه قرض نمی داد. ولی همو موقف تجارتی که داشتم همو توانست که باز صندوق ها دوباره جایگزینش شوه.

ک: همو اعتبار و اعتمادی که داشتید پس؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: بله بله!

ک: میرسیم به آخرین صفحه. به حساب توزیع درآمد، کدام قانونی داره که چی فیصد به کارگر بره چی فیصدی به خود مالک بروه؟

از 1 تا 20 فیصد، از 20 تا 40، از 40 تا 60، از 60 تا 80 یا از 80 تا 100؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: برای انجمن؟

ک: نی برای کارگر [عادی]

HPrivateAssociativeBaghlan230718: کارگرهای ما عموما، کارگرهای نهادهای ما عموما افتخاری کار می کنند. مثلا حالی مه ده این اتحادیه هستم مه یک انجمن هم دارم. رییس او انجمن هم هستم. معاون هم دارم، منشی هم دارم. معاون و منشی مه هم افتخاری کار می کنند.

ک: ده همی 34 انجمن کارگر عادی همی شما هستید که تولید می کنید به عنوان کارگر شما شناخته می شوید؟ هم سرمایه گذار هستید هم رییس و هم کارگر؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: بله. کارگر اصلی ما زبنوردار اس. که این تمام مفاد از خودش اس. تمام مفادش از خودش اس. به خودش کار می کنه. بعد از او انجمن اس که ولایات اس که او هم افتخاری کار می کنند. صرف، ممکن که یک فیصدی به ما بپردازه، حق الشمول. همو حق العضویتش ره سالانه به ما می پردازه. مثلا یک انجمن به ما سالانه 10 هزار افغانی به اتحادیه ی ما می پردازه. و یک عضو ما ماهانه 100 افغانی به انجمن مه می پردازه ده ولایت.

ک: همین 100 افغانی یا 10000 هزار افغانی، چی فیصدی از تولید یک [قطع]

HPrivateAssociativeBaghlan230718: همین ممکن که از ده فیصد هم کمتر اس. دیگه متباقی به خود کار می کنند.

ک: متباقی تصور ده انجمن شما به همین شکل است که همین عضو انجمن خود کارگر اس، خود سرمایه گذار اس و خودش مالک همین شرکت اس؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: بله بله!

ک: کسی نداره که ده بالای سرش برایش بگویه که فلانی صبح برخیز این قدر صندوق ره تا کو یا [قطع]

HPrivateAssociativeBaghlan230718: نخیر! هر کس به خود کار می کنه.

ک: مواد خام

HPrivateAssociativeBaghlan230718: مواد خام ما موم اس، صندوق خالی اس، دیگه بعضی ادویه جات است.

ک: که ساخت داخل افغانستان اس؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: نخیر نی! بعضی لوازم اس که ساخت افغانستان هم اس، از قبیل صندوق اس. بعضی دواهای ترکیبی اس که خود ما می سازیم. ساخت افغانستان اس. ولی بعضی چیزها اس، ادویه جات اس، مثلا موم اس، اکثرا از خارج می آیه. مومی که خود ما تولید می کنیم اکتفا نمی کنه، کم است. نمیشه.

ک: او خو بخش عمده ی مصارف شما نیست؟ این موم؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: بخش عمده ی مصارف ما همین ها هستند

ک: همین موم؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: زنبورداری مصارف کم داره. او قدر مصارف زیاد نداره!

ک: ده انجمن شما از همه اقوام افغانستان اس؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: اگر پشتون اس، اگر تاجک اس، ازبک اس، هزاره اس، عضو ما اس. عضو بدن ما اس. "بنی آدم اعضای یکدیگر اند که در آفرینیش زه یک جوهرند. چو عضوی ب درد آورد روزگار، دیگر عضوها را نماند قرار". ما یک عضو هستیم [خنده] چرا که ده قندهار هم هستیم، ده هلمند هم هستیم، ده پکتیا هم هستیم، ده مزار شریف هم هستیم، ده بغلان، کندز، بدخشان، تخار و ده کل ولایات. نی سمتی، نی نژادی، نی مذهبی، هیچ تفاوتی وجود نداره. رییس اتحادیه ی ما که مه هستم، فارسی زبان هستم، معاونم از ننگرهار پشتون اس، باز منشی ام از بدخشان، تاجیک است. هیچ کدام تفاوتی وجود نداره.

ک: آیا این شغل باعث این شده که این تفاوت ره از یاد ببرید؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: بله بله! در ضمن این گپ بخش فروشات ما هم که می بینی هزاره اس. هیچ ما مشکل نداره.

ک: اگر از 10 افغانی 2 افغانی مفاد داشته باشید، چند فیصد این 2 افغانی ره دوباره بالای شرکت مصرف می کنید؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: تمامش ره!

ک: صد در صد. مصارف زندگی چطور؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: در او صورت مصارف روزگار کی ها؟

ک: همی دو افغانی که درآمد داشتید، این ره اگه کلا صد درصد بالای شرکت مصرف کنید، خوب هیچ چیزی برای [قطع]

HPrivateAssociativeBaghlan230718: نی نی! ما این پیشتر اشاره کردیم که این ره چند فیصدش ره [مصاحبه دهنده منظور سوال ره درک نتوانسته]. دو فیصدش ره به اتحادیه ها میتن. به انجمن میتن. متباقی مربوط خود شخص اس.

ک: منظور این که برای گسترش همین شرکت؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: او پیسه مربوط خود همی شرکت میشه و کارمندهایش افتخاری اس دیگه ده بانک انداخته میشه و ده صورت ضرورت از او استفاده میشه.

ک: [توضیح بیشتر سوال]

HPrivateAssociativeBaghlan230718: او خو برای همین، او خو اختصاص داده شد برای همین کار. یعنی ده بخش تجارت خود به مصرف می رسانیم ده صورت ضرورت. مه مثلا ده حدود چقدر افغانی که ده انجمن دارم، می خواهم بروم زنبور قزاقستانی ره بیاورم و ترویج کنم ده همو بخش کاری خود. همو پوله ده همو بخش به مصرف می رسانم. از او گذشته میرم صندوق میسازم. یا میایم موم خریداری می کنم. ادویه جات خریداری می کنم. پس ده همو نهاد خود، ده همو شرکت خود پس به فروش می رسانم. مفاد او ره به دست می آورم. او سرمایه ای اس که دوران می کنه به همو نهاد.

ک: منظور از شرکت شخصی خود شما بود

HPrivateAssociativeBaghlan230718: او مربوط خود مه اس. مه مثلا دو برادرم همراهم شریک اس. سهمدار هستند. سه برادر هستیم. عواید ما یکی اس. باز مه مثلا امروز اگه یک لک پیدا کردیم، می گوییم که برادر سی هزار افغانی همی ره از فلانه جای این چیز خریداری می کنیم به خاطر اینی کار. دیگه این طور یک تخصیص برایش میتیم. باز از او استفاده می کنیم.

ک: یعنی تخمینا همین فیصدی که فعلا 30 هزار گفتید، که 30 فیصد میشه. معمولا چقدر میشه تخمینا؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: بعضی فصل ها زیاد می باشه و بعضی فصل ها کم می باشه.

ک: به گونه ی عادی چند فیصد اس؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: ممکن ده فیصد بگیرنش!

ک: سرمایه ی غیر قابل انتقال خو نداشتید؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: نه.

ک: به چی اندازه به فروش می رسانید؟ گدام

HPrivateAssociativeBaghlan230718: ما همین [فرضا 100 کیلو] 100 کیلو ره ممکن که اگر مثلا 2 فیصد یا 1 فیصدش ره ده خانه مصرف کنیم. متباقیش ره به فروش می رسانیم. هم به اتحادیه ی خود. یعنی اتحادیه ی ما غرفه گرفته. از هر انجمن عسل خواسته. عسل های خوده ده نمایشگاه ها به فروش می رسانیم. عسل های خوده اکثر پرچون به فروش می رسانیم. مشتری های زیاد داریم که پرچون به قیمت بسیار خوب فروخته میشه. عمده نمی فروشیم به خاطری که عمده قیمتش ره پاییم می آوره.

ک: یعنی ده یک سال اگه 100 کیلو تولید کنید همین 100 کیلو تماما به فروش میرسه؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: بله. به فروش میرسه.

ک: اوگرایی می فروشید یا؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: این طور است که ده تجارت هر کس جایگاه خوده گرفته. مثلا مه، عسل مه اگه بفهمم که به نقد به قیمت خوب به پرچون فروخته می توانم، مه نیاز ندارم که او ره به قرض بفروشم.

ک: یعنی شما همیشه به نقد می فروشید؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: بله ما همیشه به نقد می فروشیم. بسیار کم اگه به قرض بفروشیم، به پرچون، ده بدل چیزی، یا کدام مشکل دیگری نداریم که به قرض بفروشیم. یعنی بعضی کس ها است که توانمندی این ره نداره که به قیمت دلخواهش ده جای مناسب عسلش ره به فروش برسانه. آنها مجبور هستند که به قرض بفروشند. چرا که اگه به قرض نفروشند او عسل شان باقی می مانه.

ک: شما از قبل فروشنده ها ره می شناسید؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: بله بله!

ک: شما احساس می کنید که عسل یک کشور دیگری برای شما رقابت سنگین ایجاد کرده باشد؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: مشکل عمده ره اشاره کردید که ما داریم فعلا. مثلا دکاندار تخار ما عسل پاکستان ره می آوره می بره به ولایت تخار و نام تخار ره می مانه سرش. اینها ده بازار اگه به مه ضررش نمیرسه، مه جایگاه خوب دارم به فروش، دیگرها این جایگاه ره ندارند. به آنها مشکل ایجاد میشه. این یک صدمه ی زیاد میزنه به زنبوردارها. هم نام ولایت ما ره تخریب می کنه، محصول ما ره تخریب می کنه، ده هر صورت این صدمه ره ما می بینیم. این مشکل ره ما داریم.

ک: هیچ که نام ولایت تخار ره هم بالایش نگذاره، اگه یک تاجر ایرانی و پاکستانی یا ترکی، می آیه بازار عسل ده افغانستان ظرفیت 200 کیلو عسل ره ده سالی دارا است، این طور احساس می کنید که او سهمی از بازار داخلی ره تصاحب کنه؟

HPrivateAssociativeBaghlan230718: طبعا می کنیم. این فشار ره احساس می کنیم. ما به همین کوشش هستیم، مشکل عمده ی ما همین است که دولت ما به ما همکاری نمیتانن چون که مشکلات خودشان دارا است. ضرورت به گفتن نیست. همین اتحادیه ره که ما ساخته ایم به همین خاطر [بوده] که همین مشکلات های ما همین چالش های ما باید بالایش کار شوه. که ما دست دیگرها ره از بالای خود کوتاه کنیم. کل زنبوردارهای افغانستان یکجا شویم و دست کس های که بالای ما دراز میشه، او ره کوتاه بسازیم. و این ره اعتماد دارم که روزی به خیر خواهد رسید که ما دست مردم ره از سر خود کوتاه بسازیم.

ک: تشکر بسیار زیاد!

HPrivateAssociativeBaghlan230718: تشکر و اگر تلیفونی هم سوالی باشه ما ده خدمت هستیم!